

٣- تأكيد

اقسام أن

تعريف

هو تابع يدلُّ على تقدير المتبوع فيما نُسب إليه
أو يدلُّ على شمول الحكم لكلِّ أفراد المتبوع
جائى زيد نفسه
فسجد الملائكة كلهم أجمعون

لفظى

هو تكرير اللفظ الأول بعينه
جاء جاء
قام زيد

معنوى: به وسيله الفاظى صورت مى گيرد.

١- نفس و عين در مفرد:

جاءى زيد نفسه
جاءى هند نفسها

مختلف آمدن در مثنى و جمع با توجه به صيغه و ضمير

جائى
الزيدان أنفسهم
الزيدون أنفسهم

جائتى

الهندان أنفسها
الهندات أنفسهن

در اين الفاظ، ضمير مطابق مؤكّد بايد باشد.

٢- كلا و كلتا: تنها برای مثنى

قام الرجلان كلاهما
قامت المرأتان كلتاها

٣- كلّ، جميع و عامة: با مختلف آمدن ضمير: تنها در مفرد و جمع

اشترى العبد كله
اشترى الجارية كلها
جائى القوم كلهم
جائت النساء كلهن

٤- أجمع، أبتع، أبصع با مختلف آمدن صيغه: تنها در مفرد و جمع

اشترى العبد كله أجمع
اشترى الجارية كلها أجمعاء
جائى القوم كلهم أجمعون
قامت النساء كلهن أجمع

احکام مربوطه

برای تاکید ضمیر مرفوع متصل یا مستتر به نفس و عین

و جوب آوردن ضمیر مرفوع منفصل

ضریبُ اَنْتَ نفسک

تاکید با کُلّ و اجمع

در مواردی که اجزاء داشته باشد و افتراق آن ها از جهت حسّی و حکمی صحیح باشد.

اشتریت العبد کُلّه

نمونه حکمی

جاء القوم کُلّه

نمونه حسّی

أکتع، أبتع، أبصع از اجمع پیروی می کنند زیرا معنایی بدون اجمع ندارند و مقدم شدن آن ها بر اجمع و ذکر آن ها بدون اجمع جایز نیست.

گاهی نفس و عین با باء زائده مجرور می شوند.

زارنا الأميرُ بنفسه / بعینه

اعراب آن ها در این موارد

لفظی

مجرور

محلی

اعراب متبوع

